

آیت‌الله‌عزیز

تفسیر قرآن و روش تفسیر قرآن

اشاره
در میان تفاسیر معاصر شیعی، تفسیر «من وحی القرآن» اثر مرحوم آیت الله سید محمد حسین فضل الله، از علمای مجاهد لبنان است که به دلایلی جایگاهی خاص در میان تفاسیر دارد، به ویژه آن که این تفسیر پس از تفسیر گرانقدر «المیزان» و با توجه به آن ناکشسته شده است. در این مجال و در ماه قرآن، به معرفی این اثر فاخر پرداخته می‌شود، با این توضیح که در این معرفی نامه، از مقاله بلند و جامع آقای حامد شیواپور در این باره استفاده شده است.



اهمیت تفسیر «من وحی القرآن»

به نظر می‌رسد مهم‌ترین وجه اهمیت تفسیر «من وحی القرآن» شیوه تحلیلی و اجتهادی مؤلف دانشمند آن در تفسیر است. گرچه مشق در مقدمه تفسیر به درستی می‌گوید که سخنانش بیشتر حاصل افادات محققان و مفسران دیگر است، اما حق آن است که تفسیر «من وحی قرآن» مانند برخی از تفاسیر دیگر روزگار ما تنها مشتمل بر جمع اقوال

*مهم‌ترین وجه اهمیت تفسیر «من وحی القرآن» شیوه تحلیلی و اجتهادی مؤلف دانشمند آن در تفسیر است

مفسران نیست و مؤلف بارها در تفسیر یک آیه پس از نقل برداشت و نظر مفسران دیگر، دیدگاه خود را بیان می‌کند. با پشت سر داشتن بیش از هزار سال میراث غنی تفسیری در فرهنگ اسلامی و شیعی، تألیف یک تفسیر تازه برای یک مفسر و کوشش در به دست دادن برداشت‌ها و دریافت‌هایی جدید، شجاعت و جسارت بسیاری لازم داشته است. اگر به این نکته توجه کنیم که این تفسیر در زمانی نوشته شده که مدت زیادی از تألیف تفسیر ارزشمند المیزان با آن همه آراء ابتکاری علمای طباطبایی در این تفسیر نمی‌گذشته است، اهمیت آن و ارزش کار مؤلف آن را بیشتر درخواهیم یافت. مؤلف تا حد زیادی توانسته است خود را از چیرگی سایه سنگین تفسیر المیزان بیرون بکشد و حتی در موارد بسیاری هم با نویسنده ذوقنون آن شجاعانه رو در رو شود. شیوه اجتهادی سید محمد حسین فضل الله در این تفسیر و شجاعت او— که ما این ویژگی او را در صحنه جهاد با دشمنان اسلام خوب می‌شناسیم— به ویژه در موضعی آشکار می‌شود که ایشان در برابر بسیاری از دیدگاه‌های پذیرفته شده نزد مفسران می‌ایستد و نظر خود را ابراز می‌کند … و همین ویژگی به این تفسیر اهمیتی خاص می‌بخشد.

روش تفسیر قرآن و روش تفسیر قرآن

روشن است که قرآن علاوه بر اینکه دارای مباحث اعتقادی و اخلاقی است، نخستین منبع اجتهاد و مرجع شناخت احکام شریعت نیز به شمار می‌رود. تاریخ فقه و فقهات با قرآن و قوانین جامع آن پیوند خورده است و بخش مهمی از آیات آن در راستای استنباط احکام و تکالیف مسلمانان نازل گشته است. مجموعه احکام الهی و قوانین شرعی و ارزشهای دینی که به طور مستقیم ویژگی استنباط قرآنی را به همراه دارند، به فقه قرآن مشهورند. فقهی که در امور و ابعادی خاص از دیدگاه‌های شریعت محدود نگشته و پرداختن به تمامی ابعاد زندگی انسان را در قلمرو رسالت خود دیده است. ازسوی دیگر نیز این احکام، به خاطر پوشش دادن به همه ابعاد وجودی انسان، دامنه گسترده‌ای دارد که نیازمند تقسیم‌بندی می‌باشد. تقسیم مباحث فقهی قرآن و تنظیم عناوین آن برای دادن نظمی درست و اصولی به صورت‌های گوناگونی انجام پذیرفته و تاکنون چند رویکرد در این زمینه شکل گرفته است.

رویکرد اول

برخی احکام قرآن را به ۸ گروه عمده تقسیم کرده‌اند.

- عبادات. احکامی که ارتباط بنده را با پروردگار برقرار می سازد و دربردارنده عناوینی چون نماز، روزه، حج، زکات و … است وقرآن در نزدیک به ۱۴۰ آیه از آیاتش به این‌ موارد پرداخته است، از جمله «قم الصلوة لادلوک الشمس الی غسق اللیل (اسراء ۷۷)؛ نماز از از زوال خورشید تا نهایت تاریکی شب برپا دار». «… والله علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلاً…» (آل عمران ۹۷)؛ برای خدا بر مردم است که حج را در صورت استطاعت به جای آورند.
- احکام خانواده. احکامی که امور حقوق انسان را از لحظه تولد تا هنگام مرگ تعیین و تنظیم می کند و عناوینی چون رضاع، حضانت، ازدواج، طلاق، نفقه، وصیت، ارث و … در بر دارد، قرآن درنزدیک به ۷۰ آیه بدین امور پرداخته است، از جمله: «یا ایها النبی اذا طلقتم النساء فطلقوهن لعدتھن واطھن العدة…» (طلاق ۱)؛ ای پیامبر! هر زمان خواستید زنان را طلاق دهید، در زمان عده طلاق گوید و حساب عده را نگذارید.» «یوصیکم‌الله فی اولادکم للذکر مثل حظ الانثیین…» (نساء ۱۱)؛ خاندان به شما در پسرار پرداخته است، از جمله سفارش می کند که برای پسر به اندازه سهم دودختر از ارث است.»
- احکام اقتصادی و معاملات مالی.

علاوه بر آنچه گفتیم، بعضی از محققان، تفسیر «من وحی القرآن» را از جهات دیگر نیز تفسیر قابل توجهی دانسته‌اند. – اولین جهت اهمیت این تفسیر شخصیت خاص مؤلف آن است که از مراجع تقلید شیعه و از فارغ التحصیلان حوزه درسی آیت الله خویی است. –۲ این تفسیر در کشور لبنان نوشته شده است که می‌توان آن را دروازه فرهنگی شرق و غرب و پل ارتباطی فرهنگ‌های گوناگون دانست. لبنان بدون شک از کانون‌های مهم فرهنگ و علوم اسلامی در جهان اسلام است. هرروز هزاران جلد کتاب در زمینه‌های مختلف علوم اسلامی و انسانی در این کشور منتشر می‌شود. به علاوه، وجود ادیان و فرقه‌های گوناگون در این کشور و بحث و جدال و تطامی میان آن‌ها نیز به این منقله از عالم اسلام اهمیتی ویژه می‌بخشد. می‌توان این نکته را نیز افزود که اهمیت دیگر این منطقه، سابقه طولانی آن در تشیع و پرورش عالمان بزرگی است که حتی در گرایش ایرانیان به تشیع در عهد صفوی نقش عمده‌ای داشته‌اند و خلف صالح آنان در روزگار ما عالمان بیدار و آگاهی مانند سید عبدالحسین شرف الدین، سید محسن جبل عاملی، محمد جواد مغنیه، امام موسی صدر و… بوده‌اند. سید محمد حسین فضل الله نیز بر جای چنین بزرگانی نکیه زده است. همچنین رهبری ایشان در این معنوی ایشان از حزب الله لبنان بر اهمیت توجه به شخصیت و آثار این عالم بزرگ شیعه می‌افزاید. –۳ اهمیت دیگر این تفسیر آن است که همان گونه که گفتیم پس از تفسیر المیزان به گزارش درآمده و مفسر در تفسیر خود کاملاً به المیزان نظر داشته و بارها به آن اشاره کرده است. البته ایشان در مبانی اصلی تفسیری بر علامه طباطبایی خرده نمی‌گیرد، بلکه از این تفسیر ستایش می‌کند و آن را از بهترین تفاسیر جدید می‌داند و حتی می‌گوید که بخشی از آن را برسای عده‌ای از علاقه‌مندان درس داده است، اما در بسیاری از مواضع تفسیر خود در برداشت‌های آن مفسر بزرگ چون و چزا می‌کند. از آنجا که تفسیر المیزان یکی از مهم‌ترین تفاسیر شیعه و بلکه از مهم‌ترین تفاسیر عالم اسلام است می‌توان تفسیر «من وحی القرآن» و دیدگاه‌های فضل الله را یکی از مهم‌ترین منابع برای بحث و بررسی درباره تفسیر ارزشمند المیزان به شمار آورد.

ویژگی های کتاب شناختی

سید محمد حسین فضل الله ابتدا مطالب این کتاب را در میان گروهی از جوانان مطرح کرده که پس از بازبینی ایشان به صورت کتاب درآمده است. ایشان خود در این باره می‌گوید: «تفسیر «من وحی القرآن»… یک تفسیر مکتوب است که موفق شدم آن را استدلالی و دقیق تألیف کنم. بعد از تألیف، بعضی از مضامین آن را به صورت سخنرانی برای مردم ایراد کردم که نوارهای آن هم ضبط شده و موجود است که این سخنرانی‌ها با آنچه تألیف شده بسیار فرق می‌کنند…»
چاپ نخست این تفسیر را انتشارات دارالزهراء بیروت در ۲۵ جزء و ۱۱ مجلد منتشر کرد و پس از آن همین چاپ چند بار افسست شده است. اما اخیراً این تفسیر را انتشارات دارالمالک بیروت همراه با فهرست موضوعی، تکمیل، مباحث و توجه بیشتر مؤلف به تفسیر المیزان (تا اویل سوره اعراف در جلد دهم) در ۲۵ جلد در قطع وزیری به چاپ رسانده است.

ساختار تفسیر

رویکرد علامه فضل الله در این تفسیر، اجتماعی است. در این رویکرد، مفسر بیش از هر روشی از عقل در تفسیر قرآن استفاده می کند و بر این نکته تأکید دارد که قرآن ویژه مردمان یک عصر نیست و برای انسان‌ها در هر زمان راه هدایت را روشن می کند

دشمنی همدیگر را یاری رسانید». «یا ایها الذین آمنوا اطیعواالله و اطیعوا الرّسول واولی الامر منکم…» (نساء / ۵۹)؛ ای مؤمنان از خدا و پیامبرش و صاحبان امر و لایت پیروی کنید.»
۶. احکام سیاسی حکومت. این بخش در بردارنده احکامی است که محدوده روابط دولت اسلامی با سایر دولت‌ها در شرایط جنگ و صلح و دیگر مواقع مشخص ساخته وحوزه ارتباط با غیرمسلمانان را در چهارچوب ضوابط و قوانین شرعی تعیین می کند، قرآن در نزدیک به ۲۵ آیه به این موارد پرداخته است. از یاب نمونه «وان جنحوا للسلّم فاجنب لها و توکل علی الله…» (انفال / ۶۱)؛ اگر دشمنان دین گرایش به صلح نشان دهند، تو نیز از در صلح درآ و برخدا تکیه کن…» «فن اعندی علیکم فاعتصموا علیہ بعثل مااعتدی

آیات فقهی قرآن به احکامی می پردازد که نظام اقتصادی جامعه و روابط مالی طبقات گوناگون اجتماعی ونیز درآمدهای عمومی و دولتی را مشخص می سازد ودر نزدیک به ۱۰ آیه بدین مباحث پرداخته شده است، از جمله: «واعلموا انما غنمتم من شیئ فانّ لله خمسہ و للرسول ولذی القربی والیتیمی والمساکین واین السبیل…» (انفال / ۴۱)؛

بدانید هرگونه غنیمتی به شما رسد خمس آن برای خدا و پیامبر ودی القربی و یتیمان کنید وهمواره تقوی الهی را مدّ نظر داشته باشید.»

۷. احکام انتظامی و مقررات جزایی. احکامی که اجرای امور قضایی و رسیدگی به دعاوی و صدور حکم را به گونه ای که عدالت را مدح و محقق و حقوق را استیفا کند مورد بررسی قرار می دهد و مواردی چون قضا، شهادت، سوگند، دعاوی و … در نزدیک به ۱۲ آیه مورد بررسی و تعیین حکم قرار داده است. «واستشهدوا شهیدین من رجالکم…» (بقره / ۲۸)؛ به هنگام ثبت بدهیها دو شاهد از مردان بگیریید». «…ومن لیکم بما انزل‌الله فالولک هم الظالمون (مائده / ۴۵)؛ هرآن کس به آنچه خدا فرو فرستاده حکم آنرا دستمار است.»

۸. احکام جنسی و کیفری. این موارد احکامی هستند که در رابطه با جرائم و مجازات آنها مطرح وبه موضوعاتی چون: قصاص، حدود، تعزیرات و دیات می پردازند. اقامه این امور موجبات حفظ عقیده، جان مال و آبروی مسلمانان را فراهم می آورد. قرآن کریم نزدیک به ۳۰ آیه بدین امور اختصاص یافته است، از باب نمونه «کتب علیکم القصاص فی القتل…» (بقره / ۱۷۸)؛ همانا قصاص در هنگام قتل بر شما

نگاهی به تفسیر «من وحی القرآن»

ساختار تفسیر«من وحی القرآن» این‌گونه است که مفسر ابتدا به نام سوره و گاه وجه تشبیه و مکی یا مدنی بودن آن اشاره می کند و سپس اگر برای سوره سبب نزولی نقل شده باشد آن را نیز ذکر می‌نماید. گاه نیز تحت عناوینی چون «اغراض سوره»، «اجواء سوره»، «موضوع سوره» «آفاق سوره» یا «مدخل عام» به خطوط کلی سوره می‌پردازد. پس از آن دسته‌ای از آیات تفسیر می‌شود. مفسر در تفسیر آیات ابتدا به توضیح مفردات سوره می‌پردازد و سپس اگر سبب نزول خاصی برای آیات وجود داشته باشد به آن اشاره می‌کند. آن‌گاه بخش اصلی تفسیر آیات آغاز می‌شود. روش فضل الله در این قسمت که بخش اصلی تفسیر نیز هست، این‌گونه است که تحت عناوین خاصی که به موضوع



آیات مربوط است به تفسیر آن‌ها می‌پردازد. مثلاً در تفسیر آیات ۳۰ تا ۳۳ سوره بقره که به داستان آدم(ع) اختصاص دارد، مفسر پس از توضیح مفردات آیه در ذیل این عناوین به تفسیر آیات می‌پردازد: گفتگوی خدا و فرشتگان، اعطای همه مستلزمات خلافت الهی به انسان از سوی خدا، تسبیح خدا از راه اطاعت، شناخت، عمل و ابداع، ویژگی‌ها و حقیقت مسمیت با نظری به دیدگاه علامه طباطبایی، معنای گفتگویی که خدا با فرشتگان انجام داد، معنای خلافتی که خدا برای انسان قرار داد، ماهیت خلافت از طرف خدا را چگونه بفهمیم، خلیفه خدا آدم است یا نوع انسان، معنای نام‌هایی که خدا به انسان آموخت، عرضه نام‌ها از سوی آدم به فرشتگان، شهادت فرشتگان به ناتوانی خود، عبرت‌ها و درس‌هایی

سعی می‌کند که آیات قرآن را بر متن واقعیت عرضه و پاسخ قرآن را در مورد پائش‌ها و پرسش‌های زمان استخراج کند. برای این رویکرد ویژگی‌های متعددی را برشمرده‌اند که از جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: توجه به تألیف تربیتی قرآن، توجه به عقل و علوم تجربی، بیان روشن و واضح، پاسخ به شبهات علیه اسلام، عدم توجه به رویکردهای فلسفی، فقهی، ادبی و …، توجه به جهاد اسلامی و روابطی با استعمار غربی و اسرائیل، رویارویی با روایات مجعول و اسرائیلیات، توجه به وحدت مسلمین و …، مفسرانی چون سید قطب، رشید رضا، وهبه زحیلی، قاسمی (صاحب تفسیر محاسن التأویل) و تا حدی طنطاوی در اهل تسنن و کسانی مانند علامه طباطبایی، آیت الله مکارم شیرازی، مرحوم طالقانی، شادروان محمد تقی شریعتی، مرحوم محمد جواد مغنیه و فضل الله در میان مفسران شیعه چنین رویکرد و گرایشی را پی‌گرفته‌اند. مفسر با چنین گرایشی در تفسیر خود به آنچه در پیراموشن می‌گذرد، توجه دارد چنانکه در تفسیر و تطبیق آیات از مثال‌هایی مربوط به زمانه خویش بهره می‌برد.

اهمیت تفسیر «من وحی القرآن»

۵. احکام اقتصادی. این بخش به تبیین موارد تحصیل و مصرف اموال و ثروت‌های عمومی، حقوق مالی فقیران وسهم مالی اغنیا در این رابطه ونیز سرنوشت اموال عمومی و خصوصی پرداخته و حکم فقهی آن را بیان می‌درد.
۶ احکام سیاسی. بخشی ازآیات فقهی که محدوده ارتباط دولت اسلامی با سایر ملت‌ها و دولت‌ها را مورد بررسی قرار داده و وظایف دولت وجامعه اسلامی را در شرایط گوناگون نسبت به سایر ملل مشخص می‌گرداند.
۷. احکام قضایی. دسته ای از احکام قرآنی در بخش ارتباطات ببه موارد صدور احکام و چگونگی تحقق عدالت پرداخته و حدود و وظایف قرار می‌دهند. برهمنی اساس نام این بخش از احکام فقهی قرآن را، (ارتباطات) نیز می توان گزارد که خود می توان گزارد.

برحسب تفاوت موضوع و متعلّق مواردی چند را در بر می‌گیرد:
۱. احکام خانواده. این بخش احکامی را که به نظام خانواده از ابتدای پیدایش تا عالی‌ترین مراحل شکل گیری آن مربوط است مورد بررسی قرار می‌دهد به گونه ای که چنین تفصیل وبیانی در دیگر باب‌های فقهی دیده نمی‌شود و عناوینی مانند ازدواج، طلاق، عده و … در آن نزدیک به ۷۰ آیه طرح می‌کند.
۲. احکام اجتماعی. این بخش احکامی را در بردارد که به معاملات اقتصادی وامور مالی افراد جامعه مرتبط بوده و حدود و شرایط ارتباط مالی و پولی را در جامعه معین می‌کند. درهمین رابطه از عناوینی چون خرید و فروش، اجاره، رهن و … می‌توان نام برد که در نزدیک به ۷۰ آیه مورد بحث واقع شده است.
۳. احکام جزایی. قرآن در نزدیک به ۳۰ آیه کیفر جرائم، جنایات، حدود و تعزیرات را مطرح ساخته واحکام و مقررات مربوط به آن را بیان داشته است.
۴. احکام حکومتی. این بخش از مباحث فقهی قرآن به بررسی ارتباط میان دولت ومردم و محدوده وظایف هریک براساس اصول ومبانی می‌پردازد، اصولی چون عدالت، قسط،تعاون، شورا و …

برای عمل کنندگان. گاه نیز در انتهای آیات یا در پایان سوره در ذیل عناوینی چون «دروس سوره»، «بیحاثات»، «استیحاء» و عناوین مشابه نتایج کلی که از سوره گرفته می‌شود، ذکر می‌گردد.

گرایش اجتماعی در تفسیر

یکی از مهمترین مسائلی که در بررسی هر تفسیر باید به آن پرداخت، توجه به گرایش‌ها و رویکردهای تفسیری هر مفسر و چگونگی فهم او از آیات قرآن کریم بر اساس آن‌ها است. در این باره به ویژه در دوره جدید و با طرح مباحث دانش هرمنوتیک از یک سو و روان‌شناسی و جامعه‌شناسی معرفت از سوی دیگر این نکته که چگونه دانش شخص و فرض‌ها و انتظارات او در چگونگی فهم او از یک متن اثر می‌گذارد، بیش از پیش برای ما روشن شده است. بنابراین ما امروزه بهتر این نکته را درک می‌کنیم که چگونه شناخت‌های پیشین مفسری با گرایش‌های فلسفی، عرفانی، فقهی، علمی و… در فهم او از قرآن اثر می‌گذارد و نظریات تفسیری او را جهت می‌دهد. براین اساس مسلم است که آراء مفسری که در فضایی ساکن و راکد بی‌تح‌رک به تفسیر می‌پردازد با اندیشه‌های مفسر دیگری که در جوی آکنده از حرکت و پویایی زیست می‌کند، از اساس متفاوت خواهد بود. آنچه ما از آن به رویکرد واقع‌گرایانه و اجتماعی یاد می‌کنیم، از شایع ترین گرایش‌های تفسیری در زمان ماست که عمدتاً در دو سده اخیر و در اثر رویارویی عالم اسلام با غرب متجدد و مسائل آن در تفسیر ظهور یافته است. در این رویکرد، مفسر بیش از هر روشی از تفسیر قرآن استفاده می‌کند و از همین رو استاد به روایات تفسیری و مباحث گوناگون ادبی، لغوی و بلاغی در این‌گونه تفاسیر کمتر به چشم می‌خورد. همچنین در تفسیر اجتماعی مفسر سخت بر این نکته تأکید دارد که قرآن ویژه مردمان یک عصر نیست و برای انسان‌ها در هر زمان راه هدایت را روشن می‌کند. براین اساس مفسر

*تفسیر «من وحی القرآن» مانند برخی از تفاسیر دیگر روزگار ما تنها مشتمل بر جمع اقوال مفسران نیست و مؤلف بارها در تفسیر یک آیه پس از نقل برداشت و نظر مفسران دیگر، دیدگاه خود را بیان می کند

روش تفسیر قرآن و روش تفسیر قرآن

سعی می‌کند که آیات قرآن را بر متن واقعیت عرضه و پاسخ قرآن را در مورد پائش‌ها و پرسش‌های زمان استخراج کند. برای این رویکرد ویژگی‌های متعددی را برشمرده‌اند که از جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: توجه به تألیف تربیتی قرآن، توجه به عقل و علوم تجربی، بیان روشن و واضح، پاسخ به شبهات علیه اسلام، عدم توجه به رویکردهای فلسفی، فقهی، ادبی و …، توجه به جهاد اسلامی و روابطی با استعمار غربی و اسرائیل، رویارویی با روایات مجعول و اسرائیلیات، توجه به وحدت مسلمین و …، مفسرانی چون سید قطب، رشید رضا، وهبه زحیلی، قاسمی (صاحب تفسیر محاسن التأویل) و تا حدی طنطاوی در اهل تسنن و کسانی مانند علامه طباطبایی، آیت الله مکارم شیرازی، مرحوم طالقانی، شادروان محمد تقی شریعتی، مرحوم محمد جواد مغنیه و فضل الله در میان مفسران شیعه چنین رویکرد و گرایشی را پی‌گرفته‌اند. مفسر با چنین گرایشی در تفسیر خود به آنچه در پیراموشن می‌گذرد، توجه دارد چنانکه در تفسیر و تطبیق آیات از مثال‌هایی مربوط به زمانه خویش بهره می‌برد.

اهمیت تفسیر «من وحی القرآن»

ونیز احوال خصوصی که مالک یا مالکان مشخصی دارند مورد بررسی قرار می‌گیرند.
عناوین این بخش عبارتند از مالکیت انفال، خمس، زکات، خرید و فروش، معاوضه، اجاره، هبه، صلح، دین، ودیعه، عاریه، مشارکت، مضاربه، شفعه، ربا، مسابقات، غصب، اتلاف مالها.
ج. عبادات. این بخش در برگزیده عناوینی چون وضو، غسل، تیمم، نماز، روزه، اذان، قبله، حجّ، جهاد، اعتکاف وکفارات می‌باشد.
د. احکام اجتماعی و آداب عمومی. دراین قسمت رفتار و سلوک دستگاه‌های حکومتی و عمومی در مسائل قضا، حکومت جنگ، صلح، روابط بین الملل، احکام سیاسی، انتظامی ومقررات جزایی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

رویکرد چهارم

و سرانجام برخی قرآن پژوهان فقه آشنا، برای تنظیم و ترتیب موضوعات فقهی در قرآن دو شیوه را پیشنهاد داده‌اند. یکی از آن دو شیوه که روشی نتیجه فوری می‌بخشد بندی خویش را از این‌ گونه بیان می‌داند، که بشر در راه تکامل شخصیت انسانی خویش ناگزیر عوامل سودمند را فراهم ساخته و عناصر زیابخش را از مسیر خود دور می‌سازد. عوامل سودمند به اختلاف طبیعت خود برخی نتیجه فوری می‌بخشد و برخی درآینده نتیجه خواهد داد. عبادات از قسم دّم و احکام و مقررات مربوط به اول است. ازدواج، طلاق و مانند اینها از قسم اول است. احکام جزایی نیز برای جلوگیری از عوامل زیان بخش در مسیر تکامل افراد بشر تشریع گردیده است. براین اساس مباحث فقه در سه گروه عمده دسته بندی می‌شوندد برخلاف مبنایی دیگر که همین مشتمل بر دستورالعمل‌ها و مقررات و احکام قضایی هستند به عنوان حافظ و نگاهبان طبیعت بشر است. اینها از قسم اول است. کلیّت نظام اسلامی و ضمانت اجرایی آن طرح‌ریزی شده‌اند.

زن ونیز روابط اجتماعی و مقررات مربوط به تنظیم رفتار فرد در جامعه را مطرح و عناوینی چند را به بحث می‌گذارد که عبارتند از ازدواج، طلاق، اجاره، ایلاء، نذر، عهد، سوگند، وصیت، ارث، بردگی، ممنوع بودن از تصرف خوردن‌ها و آشامیدن‌ها، صید و نج، و آداب معاشرت، لباس و مسکن، امر به معروف و نهی از منکر.
۳. داد و ستد و معاملات. در این فصل احکام و مسائل مالی در دو بخش اموال عمومی که به شخص خاصی تعلق ندارند و در جهت مصالح عموم معین گردیده‌اند

جمهوری اسلامی

رفتارشناسی امام خمینی در ماه مبارک رمضان



امام خمینی، در عین حال که دارای شخصیتی کم‌نظیر و جایگاه ویژه‌ای در میان مردم بود، در مقام پرستش پرسوردگار عالم یک عبد و متعبد به تمام معنا به شمار می‌رفت. ایشان اگر چه از نظر دینی دارای مقام مرجعیت بود اما نگاه ایشان به عبادات به ویژه روزه و ماه مبارک رمضان، فقط نظری و یا توصیه به دیگران نبود بلکه خود یک عامل تمام عیار در این زمینه بود. امام، ماه رمضان را فرصت رسیدگی به خود و تزکیه نفس می‌دانست و می‌فرمود: «از همه بالاتر این است که انسان خودش را اصلاح کند در ماه رمضان، ما محتاج به اصلاح هستیم، محتاج به تهذیب نفس هستیم، تا آن دم آخر ما محتاجیم. پیغمبر‌ها هم محتاجند. انبیای بزرگ هم محتاجند، منتها آنها احتیاج خودشان را فهمیده‌اند و دنبالش عمل کرده‌اند و ما از باب اینکه حجاب داریم نتوانستیم بفهمیم و به نزدیکان امام‌خمینی در باره نمونه‌های رفتاری ایشان در این زمینه، بسیار راه می‌باشد.

اهتمام به روزه

امام چهارده سال نجف بودند. از تمام بچه‌ها دور بودند، هوای به آن گرمی نجف را تحمل می‌کردند و در آنجا روزهایی به آن بلندی را روزه می‌گرفتند. کارگر منزلشان صبح که می‌آمد گلایه می‌کرد و می‌گفت: «خانم، من سینی غذای آقا را که می‌برم، اصلاً وقتی بر می‌گردانم احساس نمی‌کنم از این سینی غذایی خورده شده است؛ شاید یک کمی مثلاً یک نصفه کنتل خورده‌اند». آقا با این شرایط روز به آن بلندی نجف را روزه می‌گرفتند (صدیقه مصطفوی).

خواندن قرآن

خوند ماه رمضان امام مرتب قرآن می‌خواند حالا اکثر وقت‌ها مثلاً ما می‌رقیم روزنامه ببریم برای ایشان می‌دیدیم امام نشستند روی آن نیمکت خودشان و آن شمد را هم انداخته‌اند روی پایشان و چهار زانو نشستند و دارند قرآن می‌خوانند، از قول مرحوم حاج‌احمد آقا، امام بعضی روزها ۵ جزء یا ۴ جزء قرآن می‌خواند، نه یک جزء، ما می‌گوییم یک جزء بخوانیم، اما حاج احمد آقا می‌فقت امام روزی ۴ تا ۵ جزء قرآن می‌خواند، این قدر امام مقید بودند در قرآن خواندن یا مثلاً اعمال دیگر (سید رحیم میریان).

امام علاوه بر انجام تمام اعمال عبادی ماه رمضان یک برنامه خاص خودش را داشت، زمان بیشتری قرآن می‌خواندند. فکر می‌کنم حتی تا این اواخر ماه سه قرآن را که حتماً ختم می‌کردند، فرمش‌ هم به این شکل بود که سه نقطه سه تا قرآن داشتن، آن قسمتی که صبح برای کار می‌رفتند آن قسمتی که عصر بود و یا قسمت سرب شب سه تا قرآن بود که از هر سه می‌خواندند هر جا بودند یک جزء قرآن می‌خواندند در نتیجه ماه رمضان که تمام می‌شد سه تا قرآن ختم کرده بودند، این اواخر حتی با این همه گرفتاری‌ها و مشاغلی که داشتند، تمام از کاری که در مفتاح هستست آنها را انجام می‌دادند. امام شیها دعای افتتاح می‌خواندند، دعای سحر را معمولاً می‌خواندند و خیلی هم توصیه می‌کردند و بیشتر ابوحزمه را هم می‌خواندند، گاهی وقت‌ها به ما می‌گفتند اگر ابوحزمه زیاد هست می‌توانید دو تا سه قسمت کنید و در دو یا سه شب تمام بشود. اگر یک شب نتوانستید تمام کنید عبی ندارد ولی این دعا را بخوانید (فاطمه طباطبایی).

جدیت در عبادات

وقتی حضرت امام در ماه مبارک رمضان در فصل گرمای نجف اشرف برای نماز جماعت ظهر و عصر با زبان روزه به مدرسه مرحوم آیت‌الله بورجردی تشریف می‌آوردند، هر روز، اول هشت رکعت نوافل ظهر را می‌خواندند و بعد نماز ظهر را با اذان و اقامه نسبتاً طولانی می‌خواندند و بعد از تعقیبات نماز ظهر، هشت رکعت نوافل عصر را می‌خواندند و بعد نماز عصر را با اذان و اقامه، مانند نماز ظهر می‌خواندند و بعد از تعقیبات تشریف می‌بردند. این کار در آن سن و هوای گرم و آن حال روزه، کار آسانی نبود که حتی جوان‌ها موفق به آن بشوند، اما امام، با اقبال تمام اینگونه جدیت در عبادات داشتند (آیت‌الله محمدحسن قدیری).

شب‌های قدر

برای امام شب‌های قدر و غیر قدر آن قدر فرقی نداشت. یعنی امام هر شب برایش شب قدر بود، امام آن شب‌های قدر چون برنامه آن زیادتر است، لذا امام از همان سرب شب خوایش خیلی کم می‌شد، مثلاً امام هر شب ساعت ۱۰/۲۰ دقیقه می‌خوابیدند، آن شب هم سر ساعت ۱۰/۲۰ دقیقه می‌خوابیدند اما از آن طرف یک ساعت تا دو ساعت که می‌خوابیدند بلند می‌شدند و مشغول عبادت و مشغول مناجات می‌شدند و دعا‌های شب‌های قدر را می‌خواندند و قرآن سر می‌گرفتند و مناجات می‌کردند و گریه و زاری می‌کردند تا صبح می‌شد و قرآن قبل از نماز و نماز صبح را می‌خواندند و بعد می‌خوابیدند (سید رحیم میریان).